

از زمره روایات ظهور، به پا خاستن مردی از قم و یاران وی است، از امام کاظم، علیه السلام، روایت شده است که فرمود: مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می کند، افرادی گرد او جمع می شوند که قلبهایشان همچون پاره های آهن سستبر است که بادهای تند حوادث، آنان را نمی لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی ترسند اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار از آن پرهیزکاران است. (۱)

و همچنین مطالب بعد از آن مربوط به قم است.

نکته قابل توجه این است که، امام، علیه السلام، در روایت، تعبیر به «مردی از قم» نموده و فرموده است از اهل قم، می توان این جمله را بر امام خمینی تطبیق داد. چه اینکه ایشان اهل خمین و ساکن قم می باشند و اینکه او «مردم را به سوی خدا دعوت می کند» نه فقط اهل قم و یا اهل مشرق زمین را، و به اینکه بادهای تند کینه توزی دشمنان و یا جنگ و درگیریها که برای وی و طرفدارانش پیش می آید، همچنان مقاوم می ایستند و مبارزه می کنند و هیچ تزلزلی به خود راه نمی دهند. روایت، زمان وجود این مرد را که به آن بشارت داده شده مشخص نکرده است اما در تاریخ قم و ایران چنین شخصیت و یارانی دارای این صفات برجسته، قبل از امام خمینی و طرفدارانش بی سابقه بوده است... البته احتمال اینکه این روایت ناقص باشد وجود دارد و یا اینکه امام آن را به مناسبتی فرموده اند، همین روایت را صاحب بحارالانوار، از کتاب تاریخ قم نوشته «حسن بن محمد بن الحسن قمی» که هزار سال پیش آن را تالیف نموده است نقل کرده که متأسفانه نسخه آن کتاب یافت نمی شود.

گاه گفته می شود: درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین مرد وعده داده شده ای را با یارانی دارای این صفات برجسته، کسی سراغ نداشته است... اما دلیلی هم نداریم که این روایت، منطبق بر امام خمینی و طرفداران وی باشد شاید منظور مرد دیگر و یاران دیگری باشد که در عصر و زمان ما ظاهر خواهند شد و یا اینکه بعد از مدتی طولانی و یا کوتاه خواهند آمد...

پاسخ: آری درست است که در روایت، آنگونه که بیان کردیم زمان این پیشامد مشخص و روشن نشده است اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده، به علاوه آنچه که در روایات متعدد دیگر، پیرامون قم و ایران وارد شده است موجب اطمینان این معناست که مراد از صفات یاد شده، امام خمینی و یاران وی اند... بنابراین اگر پیامبر، صلی الله علیه و آله، و امامان، علیهم السلام،

به حادثه و پیشامدی خبر دادند که منطبق بر وضع موجود باشد، معقول نیست که از آن چشم‌پوشی نموده و آن را بر قضیه و حادثه‌ای مشابه آن و یا واضحتر، که وعده پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، و اهل بیت او بر آن منطبق شود، حمل نماییم.

از روایاتی که درباره قم و برتری و آینده آن از اهل بیت، علیهم‌السلام، نقل شده است بخوبی روشن است که این شهر نزد آن بزرگواران از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بلکه می‌توان گفت مؤسس و بنیانگذار این شهر و طرح و ایجاد آن در قلب ایران در سال ۷۳ ق. به دست با کفایت امام باقر، علیه‌السلام، بوده است که بعد از آن نسبت به این شهر نایت خاصی داشته‌اند. و آنان با دانشی که از جد بزرگوارشان داشته‌اند، خبر داده‌اند که در آینده، این شهر مقدس از جایگاهی والا برخوردار خواهد شد و اهالی این شهر، از یاران باوفای حضرت مهدی، ارواحنا فداه، خواهند بود.

برخی روایات، تصریح دارد به اینکه فلسفه نامگذاری این شهر مقدس به قم مناسب با نام حضرت مهدی که قائم بحق است می‌باشد و مناسب با قیام و به پا ساختن اهل قم و منطقه جغرافیایی آن شهر در زمینه‌سازی و یاری نمودن آن حضرت است. از طرفی وجود یک آبادی، در نزدیکی این شهر در زمان تاسیس آن به نام «کمندان» و یا «کمد»، به این معنی نیست که در نامگذاری به «قم» عربی بودن این کلمه ملاحظه نشده است، جز این مناسبت که نام آن قم گذاشته شده و یا تغییر و دگرگونی در نام فارسی آن به وجود آمده است بویژه زمانی که تاسیس این شهر از ناحیه علما و روایت‌کنندگان حدیث، از امام باقر و صادق، علیهما‌السلام، و زیر نظر آن دو بزرگوار بوده است.

«عفان بصری» از امام صادق، علیه‌السلام، روایت کرده که گفت:

امام، علیه‌السلام، به من فرمود: آیا می‌دانی از چه رو این شهر را قم می‌نامند؟ عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند فرمود:

همانا قم نامگذاری شده برای اینکه اهل قم، اطراف قائم، علیه‌السلام، گرد آمده و با وی قیام می‌نمایند و در کنار او ثابت قدم مانده و او را یاری می‌کنند. (۲)

این روایت، و امثال آن قرینه‌هایی هستند بر اینکه آغاز تاسیس شهر مقدس قم توسط «عبدالله» پسر «مالک اشعری» و برادرش «احوص» و هواداران آنان که همگی از یاران خاص امام باقر، علیه‌السلام، و راویان حدیث آن بزرگوار بوده‌اند همه اینها موجب این اطمینان است که تاسیس این شهر به امر امام باقر، علیه‌السلام، بوده است و این نام را آن حضرت برای این شهر انتخاب فرموده‌اند.

نام قم در روایات به صیغه مذکر به معنی «بلد سرزمین» و به صیغه مؤنث «بلده شهر» آمده است این کلمه (قم) هم قابل صرف کردن است و هم به صورت غیر منصرف به کار می‌رود.

ظاهر برخی روایات این است که امامان، علیهم‌السلام، نسبت به شهر قم عنایت خاصی داشته‌اند و مفهومی را برتر و وسیع‌تر از یک شهر و توابع آن، به این شهر بخشیده‌اند، لذا نام این شهر را به معنای خط و روش و اسلوب قم، نسبت به ولایت اهل‌بیت، علیهم‌السلام، و قیام آنان با مهدی آل پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌وآله، به کار برده‌اند. عده‌ای از بزرگان ری نقل کرده‌اند که حضور امام صادق، علیه‌السلام، رسیدند و عرض کردند، ما از اهل ری هستیم که خدمت رسیده‌ایم، حضرت فرمود: خوش آمدند برادران قمی ما، سپس عرض کردند ما اهل ری هستیم، حضرت فرمود: خوش آمدند برادران قمی ما. مجدداً عرض کردند: ما اهالی ری هستیم، امام نیز کلام اول خود را تکرار کرد، آنان گفته خود را چندبار یادآور شدند، امام نیز مانند اول آنان را پاسخ داد و چنین فرمود: خداوند دارای حریمی است که عبارت است از مکه مکرمه و پیامبر دارای حریمی است و آن مدینه منوره است و امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، دارای حریمی است که کوفه است و ما اهل‌بیت نیز دارای حریمی هستیم که آن شهر قم است، بزودی بانویی از سلاله من بنام فاطمه در این شهر دفن خواهد شد کسی که آن بزرگوار را در قم زیارت کند اهل بهشت می‌باشد.

راوی گفت این سخن را امام صادق، علیه‌السلام، زمانی فرمود که هنوز حضرت کاظم، علیه‌السلام، متولد نشده بودند. (۳) یعنی قم، حرم امامان، علیهم‌السلام، از اهل‌بیت، تا زمان حضرت مهدی، علیه‌السلام، و مرکز ولایت و یاری آن بزرگواران می‌باشد و اهل ری و غیر آن نیز اهل قم محسوب می‌شوند زیرا آنان نیز پیرو خط و روش اهل قم نسبت به اهل‌بیت، علیهم‌السلام، هستند. از این رو بعید نیست که مراد از اهل قم که در روایات آمده و اینکه آنان یاوران حضرت مهدی، علیه‌السلام، می‌باشند، همه ایرانیانی باشند که در ولایت و دوستی و جنگ و جهاد پیرو امامان، علیهم‌السلام، هستند، بلکه شامل مسلمانان غیرایرانی نیز بشود.

و معنای کلام راوی که گفت: «حضرت این کلام را زمانی فرمود که هنوز حضرت کاظم متولد نشده بود» یعنی این گفته امام صادق که قبل از ولادت امام کاظم بوده مشعر به این است که آن حضرت از ولادت نوه خویش فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر، علیهم‌السلام، پیش از ولادت پدر بزرگوارش یعنی قبل از سال ۱۲۸ هجری قمری، خبر داده است و اینکه آن بانوی بزرگوار در قم دفن خواهد شد، و این قضیه هفتاد سال بعد، تحقق پیدا کرده است..

بزرگان قم نقل کرده‌اند زمانی که مامون، علی بن موسی‌الرضا، علیه‌السلام، را در سال ۲۰۰ هجری از مدینه خارج کرد و به طرف مرو فرستاد، در سال ۲۰۱ هجری خواهر گرامی او حضرت فاطمه معصومه در پی برادر از مدینه خارج شد و به سمت ایران حرکت کرد تا به شهر ساوه رسید در آنجا بیمار شد، سؤال کرد چقدر فاصله بین من و قم است؟ عرض کردند ده

فرسخ... زمانی که این خبر به اولاد سعد - یعنی سعد پسر مالک اشعری - رسید همگی با هم آهنگ ساوه نمودند تا از آن حضرت تقاضا کنند که به شهر آمده و در آنجا بماند چون حضور او رسیدند، موسی پسر خزرج از بین آن جمعیت خارج شد و به طرف حضرت رفته و مهار شتر ایشان را گرفته و تا قم همراهی کرد و آن بزرگوار را در منزل خویش جای داد، پس از اقامت ۱۶ یا ۱۷ روز در شهر قم، در اثر بیماری قبلی به رحمت و رضوان الهی پیوسته و روح پاکش به ملکوت اعلیٰ پر گشود. موسی پسر خزرج پس از مراسم غسل و کفن آن حضرت، بدن شریفش را در زمینی که متعلق به خودش بود و هم‌اکنون نیز مرقد مطهرش در آنجاست، به خاک سپرد و سقفی از بوریا و حصیر بر قبر آن حضرت سرپا نمود، تا زمانی که توسط زینب دختر حضرت جواد، علیه‌السلام، بر قبر مطهر آن بزرگوار گنبد و بارگاهی بنا نمودند. (۴)

از این روایات چنین برمی‌آید، که فاطمه معصومه، بسیار اهل عبادت و زهد و بزرگواری بود، همانند مادرش حضرت فاطمه زهرا، سلام‌الله‌علیها، آن بزرگوار در عین اینکه از سن کمی برخوردار بود، نزد اهل بیت، علیهم‌السلام، مقامی خاص و ارزش و اهمیت والایی داشت چه اینکه این مقام و منزلت حضرت، نزد علما و بزرگان قم نیز محرز بوده است؛ زیرا برای ارج نهادن به مقام آن بانو از قم به طرف ساوه حرکت کرده و به استقبال وی شتافتند و پس از رحلت آن بانو، ساختمان نسبتاً ساده‌ای بر مزارش ساخته سپس گنبدی بنا کردند و آنجا را زیارتگاه دوستداران اهل بیت قرار دادند و عده‌ای از آن بزرگان وصیت کردند که در جوار حضرتش به خاک سپرده شوند.

در روایات آمده است که سن مبارک حضرت معصومه، سلام‌الله‌علیها، کمتر از بیست‌سال بوده است، و شاید علت اینکه ایرانیها آن حضرت را «فاطمه معصومه» و یا «معصومه قم» می‌نامند به خاطر کمی سن آن بزرگوار باشد؛ زیرا معصوم در لغت فارسی به معنای بیگناه می‌آید و از همین رو به طفل خردسال نیز که بی‌گناه است معصوم می‌گویند و شاید هم به جهت طهارت و پاکدامنی و عصمت آن حضرت از گناه باشد؛ چون در مذهب شیعه عصمت بر دو نوع است: یکی عصمتی که واجب است در امامان، علیهم‌السلام، وجود داشته باشد و این، در مورد چهارده معصوم، علیهم‌السلام، ثابت است و دیگر عصمتی که جایز است و آن برای بزرگان و اولیای خدا ثابت است که مقدس و پاک از گناهان و آلودگی‌هایند.

از روایت بعدی که از امام رضا، علیه‌السلام، نقل شده است، ظاهر می‌شود که امامان، علیهم‌السلام، از بدو تاسیس شهر قم، مردم این شهر را به عنوان یاران حضرت مهدی، علیه‌السلام، به شمار آورده‌اند و دوستی و محبت مردم این شهر نسبت به حضرت مهدی، علیه‌السلام، قبل از ولادت آن حضرت معروف بوده است از «صفوان بن یحیی» نقل شده است که گفت:

روزی خدمت امام رضا، علیه‌السلام، بودم، سخن از اهل قم و علاقه آنان نسبت به حضرت مهدی، علیه‌السلام، به میان آمد، آن حضرت برای آنان طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد، آنگاه فرمود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آنها مخصوص اهل قم می‌باشد، آنان (اهل قم) بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است. (۵)

در روایت آمده است که درهای بهشت به تناسب اعمال مردم بین آنان تقسیم‌بندی شده است، از این رو بعید نیست که معنی این جمله که (یک در، ویژه اهل قم است) این باشد که آنان از در مبارزین و مجاهدین همراه امامان، علیه‌السلام، و یا از در مخصوص شایستگان چنانکه در صفات آنها وارد شده است، داخل بهشت می‌شوند و گفته حضرت که «آنها بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند» دلالت به فضیلت و برتری اهل قم بر سایر شیعیان دارد.

قابل توجه است که محبت اهل قم نسبت به حضرت مهدی، علیه‌السلام، تا کنون همچنان پرشور و زنده باقی مانده است بلکه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این عشق به سر حد کمال رسیده و این حقیقت را در ایمان و عملکرد و ظواهر زندگی آنان حتی در نامگذاری فرزندان و مساجد و مؤسسات خود به نام آن حضرت، بگونه‌ای که هیچ‌کدام از این نام خالی نیست، می‌توان مشاهده نمود.

برخی روایات دلالت دارد که، بلا و گرفتاری از اهل قم دور است و خداوند سبحان کسانی را که بدخواه این شهر باشند، نابود می‌گرداند. از «ابان بن عثمان» و «حماد بن ناب» روایت شده که گفتند:

خدمت امام صادق، علیه‌السلام، بودم که عمران پسر عبدالله قمی وارد شد، خدمت امام رسید و از او سؤال کرد. حضرت با وی بسیار با ملاطفت برخورد کرد، پس از رفتن آن مرد از امام، علیه‌السلام، سؤال کردم؛ این شخص که با او این همه خوشرفتاری فرمودی که بود؟ حضرت فرمود: او از خانواده بزرگان، یعنی اهل قم بود هیچ ستمگری درباره آنان نیت‌سوء نمی‌کند، مگر اینکه خداوند او را درهم می‌شکند. (۶) در روایت دیگری آمده است که: بلا از قم دفع شده است. (۷)

در جای دیگر نقل شده است که: اهل قم از ما و ما از آنان هستیم، هر ستمگری که درباره آنان اراده سوء داشته باشد مرگ او فرا می‌رسد، تا زمانی که به یکدیگر خیانت نکنند (و در نسخه دیگر: تا زمانی که تغییر روش ندهند) اما زمانی که آلوده به چنین اعمالی شدند، خداوند سبحان، ستمگران را بر آنان حاکم می‌کند، ولی آنان (اهل قم) یاران قائم و بازگوکنندگان مظلومیت ما و رعایت‌کنندگان حقوق ما هستند، آنگاه رو به آسمان کرد و گفت: خداوند آنان را از شر هر فتنه‌ای نگهدار و از

هر گزندی نجات ببخش. (۸)

از امام صادق، علیه‌السلام، روایت شده است که فرمود: بلاها از قم و اهل آن دور شده است، بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجت‌بر مردم خواهند بود و این زمان غیبت قائم ما و ظهور وی می‌باشد، اگر چنین نباشد زمین اهل خودش را فرو می‌برد، فرشته‌های الهی بلاها را از این شهر و اهل آن دفع می‌کنند. هر ستمگری که در حق آنان اراده بد داشته باشد، خداوند درهم کوبنده ستم‌پیشگان، او را درهم می‌شکند و یا به گرفتاری و مصیبت و یا دشمنی، مبتلا می‌گرداند، خداوند سبحان، قم و اهلش را در زمان فرمانروایی ستمگران از یاد آنان می‌برد؛ آنگونه که ظالمان یاد خدا را فراموش کردند. (۹)

البته، این بدین معنا نیست که به اهل قم اصلاً بدی نمی‌رسد، بلکه ممکن است برخی مشکلات بر آنان وارد شود، ولی خدای بزرگ، آن دشواری و بلا را از آنان دور نگه داشته و با الطاف گوناگون خویش آنها را یاری می‌فرماید، که از بارزترین آنها، نابود کردن سرکشان و متجاوزان و مشغول نمودن آنان به گرفتاری‌هایی است که، به اهل قم نپرداخته و به طور کلی از آنها یاد هم نمی‌کند.

صاحب «بحارالانوار» دو روایت را، از امام صادق، علیه‌السلام، که بیان‌کننده آینده شهر قم و نقش مکتبی آن پیش از ظهور حضرت مهدی، علیه‌السلام، می‌باشد آورده است.

روایت اول بیان می‌دارد: خداوند به وسیله شهر کوفه بر سایر شهرها استدلال می‌کند، همچنین به مؤمنان آن شهر بر سایر مؤمنان و به شهر قم بر سایر شهرها و به واسطه اهل قم بر جهانیان اعم از جن و انسان، خداوند متعال اهل قم را مستضعف فکری قرار نداده بلکه همواره آنان را موفق و تایید کرده است. سپس فرمود: دینداران در این شهر در مضیقه زندگی می‌باشند اگر غیر این باشد مردم بسرعت به آنجا روی می‌آورند و آنجا خراب می‌گردد و اهل آن تباه می‌شوند و آنگونه که باید نمی‌تواند بر سایر سرزمین‌ها حجت‌باشد، زمانی که موقعیت قم بدینجا برسد آسمان و زمین آرامش ندارد و ساکنان آنها لحظه‌ای باقی نمی‌مانند و بلا و گرفتاری از قم و اهل آن دفع گردیده است، بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجت‌بر مردم خواهند بود و این در زمان غیبت قائم ما و ظهور وی می‌باشد. اگر چنین نباشد زمین اهل خودش را فرو می‌برد، فرشته‌های الهی مامور دور نمودن بلاها از این شهر و اهل آن می‌باشند هر ستمگری که درباره آنان اراده بد داشته باشد، خداوند درهم کوبنده ستم‌پیشگان، او را درهم می‌شکند و یا به گرفتاری و مصیبت و یا دشمنی، مبتلا می‌گرداند، خداوند متعال نام قم و اهلش را در زمان فرمانروایی ستمگران از یاد آنان می‌برد آنگونه که آنها یاد خدا را فراموش کردند.

و روایت دوم می‌گوید: بزودی شهر کوفه از مؤمنان خالی می‌گردد و بگونه‌ای که مار در جایگاه خود فرو می‌رود علم نیز این چنین از کوفه خت‌برمی‌بندد و از شهری به نام قم آشکار می‌شود و آن سامان معدن فضل و دانش می‌گردد، به نحوی که در

زمین کسی در استضعاف فکری به سر نمی‌برد حتی نو عروسان در حجله‌گاه خویش. و این قضایا نزدیک ظهور قائم ما بوقوع می‌پیوندد، خداوند سبحان، قم و اهلس را برای رساندن پیام اسلام، قائم‌مقام حضرت حجت می‌گرداند. اگر چنین نشود زمین اهل خودش را فرو می‌برد و در زمین حجتی باقی نمی‌ماند. دانش از این شهر به شرق و غرب جهان منتشر می‌گردد. بدین سان بر مردم اتمام حجت می‌شود و یکی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد. آنگاه قائم، علیه‌السلام، ظهور می‌کند و ظهور وی باعث خشم و غضب خداوند بر بندگان می‌شود؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر بعد از آنکه آنان وجود مقدس حضرت حجت را انکار نمایند. (۱۰)

از این دو روایت، چند امر روشن می‌شود: الف - اینکه این دو روایت نقل به معنی شده‌اند، به علاوه در آنها اندکی تقدیم و تاخیر است اما آنچه که مهم است معنایی است که این دو روایت در بر دارند. ب - از این روایتها استفاده می‌شود، که نقش مذهبی شهر کوفه در دانش و پیروی از اهل‌بیت، علیه‌السلام، نقشی مهم و بزرگ بوده، اما در آستانه ظهور حضرت مهدی، علیه‌السلام، مضمحل شده و از بین می‌رود، البته کوفه شامل نجف نیز می‌شود؛ زیرا نام اصلی آن نجف کوفه بوده است بلکه گاهی مراد از کوفه عراق عنوان شده است، چنانکه ما در جای خودش بیان کردیم، اما نقش مذهبی شهر قم همچنان ادامه دارد و نزدیک ظهور حضرت از عظمت بیشتری برخوردار می‌گردد، چنانکه دو فقره از روایت به این معنی اشاره دارد: «و این همه، در زمان غیبت قائم ما و ظهور وی می‌باشد» و «و این قضایا نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود».

ج - نقش برجسته اعتقادی و ایدئولوژیکی شهر مقدس قم، در آن زمان مخصوص ایران و یا شیعیان تنها نیست. بلکه نقشی است جهانی که حتی غیرمسلمانان را نیز در بر می‌گیرد: «و بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلس حجت بر مردم خواهند بود»، «و یکی باقی نمی‌ماند که دین و دانش به وی نرسیده باشد» این بدان معنا نیست که دانش و مذهب از این شهر به فرد فرد مردم جهان می‌رسد، بلکه بدین معناست که ندای اسلام و مطرح شدن آن، طوری به جهانیان می‌رسد که اگر کسی سعی در دستیابی به مقررات و دستورات اسلام داشته باشد، برای وی امکان‌پذیر خواهد بود.

البته چنین نقش تبلیغاتی مهمی برای شهر قم، بستگی به برپایی حکومتی با دستگاه‌های تبلیغاتی دارد، بلکه متوقف بر مبارزات با سرکشان جهان استکبار است که این خود باعث رسیدن صدای اسلام از قم به جهانیان می‌شود.

د - این نقش بزرگ فرهنگی برای شهر قم، سبب کینه‌توزی و دشمنی استکبار جهانی نسبت به این شهر می‌گردد، یعنی نسبت به مطرح شدن اسلام از این شهر. این دشمنی با اسلام علت انتقام گرفتن خداوند از مستکبران، به دست توانای

حضرت مهدی، علیه‌السلام، می‌شود؛ چرا که با این دشمنی حجت بر مردم تمام شده است و ایجاد گرفتاری توسط دشمنان، از جنبه جهل آنان نسبت به اسلام نیست، بلکه دشمنی و خصومت آنان، صرفاً کینه‌توزی و مخالفت با اسلام می‌باشد.

قابل توجه است آنچه که در این دو روایت گفته شده در کوفه و عراق محقق شده است و در قم و ایران، در آستانه تحقق است و در حقیقت قم و ایران بر ملت‌های مسلمان و سایر ملل جهان حجت هستند. حتی اگر قائل شویم که ایجاد چنین آگاهی که در این دو روایت آمده است در بین ملت‌های جهان، ده‌ها سال به طول انجامد، باز هم شکی نیست که برخی از آن مقدمات آغاز شده است. اما عبارت حدیث که «نزدیک ظهور قائم ما» است، دلیل بر این است که بین تحقق چنین موقعیت جهانی برای شهر قم و بین ظهور حضرت مهدی، علیه‌السلام، فاصله چندانی نیست.